



برای شاد زیستن، خودمان را بشناسیم

در وبلاگی به‌نشانی <http://www.setayesh19.blogfa.com> آمده است:

اشتراک در زبان، رنگ، ملیت، فرهنگ عمومی، شغل و... از جمله اموری است که در میان همه‌ی افراد یافت می‌شود اما اشتراکات دیگری نیز وجود دارد مانند برخورداری از حواس پنج‌گانه، راست‌قامت بودن، نیازمندی به غذا، حس کنج‌کاو، کمال‌طلبی، حقیقت‌طلبی، میل به پرستش، زیبایی‌دوستی و اراده‌ی آزاد. مشترکات نوع نخست، به دلیل فقدان آن‌ها در برخی افراد، نمی‌تواند از امور ذاتی و سرشتی انسان به‌شمار آید اما مشترکات نوع دوم، به‌طور تقریبی در همه‌ی انسان‌ها دیده می‌شود و می‌توان گفت به‌طور نسبی از امور سرشتی است؛ بنابراین کسی که می‌خواهد خوب، شاد و سالم زندگی کند، باید تا حدودی آن‌ها را بشناسد.

کافی‌ست کمی دقت کنیم و در وجود خودمان به‌درستی، آن‌ها را بشناسیم زیرا اگر آن‌ها را بشناسیم -یعنی خود را بشناسیم- خدای خود را بهتر می‌شناسیم.

اگر خود را آن‌طور که هستیم و باید باشیم شناسیم، زندگی‌مان در تضاد و کشاکشی بی‌پرده، سپری خواهد شد و یافته‌های‌مان از خودمان، نه براساس واقعیت وجودمان، بلکه بر اساس ایده‌آل‌ها و تلقینات خواهد بود؛ پوچ و توخالی و فاقد انرژی و زاینده‌گی چراکه اعمالی نیستند که خود واقعی و خود درون‌مان، آن‌ها را به‌وجود آورده باشد.

بهترین راه پیش‌بینی آینده، ساختن آن است

در وبلاگی به‌نشانی <http://modirsara.blogfa.com> آمده است:

«لائو تسه» می‌گوید: «دلیل این که رودخانه‌ها و دریاها، صدها جویبار کوهستانی را در خود می‌پذیرند، این است که در ارتفاعی پست‌تر از آن‌ها جریان دارند، به همین دلیل هم بر همه‌ی آن‌ها حکم می‌رانند. مرد دانا هم که می‌خواهد از همه برتر باشد، پشت‌سر همه حرکت می‌کند، بنابراین کسی سنگینی برتری او را حس نمی‌کند و هرچند مقامش برتر از همگان است، کسی آزرده‌خاطر نمی‌شود.»

«پیتر دراگر» می‌گوید: «آینده به روی افراد و سازمان‌هایی بسته خواهد بود که یارای گریز از جاذبه‌ی گذشته را ندارند.»

شکست پویا، تجربه‌ای مفید در مسیر موفقیت

همه‌ی آدم‌های موفق، به‌طور حتم شکست را تجربه کرده‌اند. برخی شرکت‌ها به استخدام مدیران شکست‌خورده، بیش‌تر علاقه‌مندند چون معتقدند آنان تجربه‌ی شکست را یک‌بار از سرگذرانده و اکنون راه موفقیت را بهتر پیدا می‌کنند.

در ادامه‌ی مطلب وبلاگی به‌نشانی <http://hansa.blogfa.com> آمده است:

به‌راستی گاهی چاره‌ای جز آزمون و خطا نیست و ما با یافتن راه غلط یا راه نرسیدن (شکست)، راه رسیدن را یاد می‌گیریم؛ درست مانند حذف گزینه‌های غلط برای رسیدن به جواب درست در تست‌های چندگزینه‌ای. برای رسیدن به نور، گاه باید از تاریکی گذشت.

شکست، به خودی‌خود یک پدیده است که می‌تواند تعبیرهای گوناگونی داشته باشد. این به خود ما بستگی دارد که چطور آن را تفسیر کنیم. تازمانی که ناامید نشده و از ادامه‌ی راه منصرف نشویم، شکست نخورده‌ایم.

شکست به معنی عدم موفقیت نیست، بلکه جزئی از موفقیت است. شکست واقعی، وقتی‌ست که ناامید شویم و دست از رؤیاهای‌مان بکشیم.

شاید بهتر باشد دو تعریف برای شکست داشته باشیم؛ «شکست پویا» که یک تجربه‌ی مفید در مسیر موفقیت است و «شکست ایستا» که دست‌کشیدن از ادامه‌ی راه و متوقف شدن است.

گردآوری: حامد کاظم‌زاده خوبی

اگر مایل هستید وبلاگ شما در این‌قسمت معرفی شود، با آدرس ایمیل زیر مکاتبه نمایید:
hamed.khoei@gmail.com